

ستارگان

میهن عزیز ما، ایران، از دیرباز سرزمین علم و فرهنگ و مهد پرورش دانشمندان و شاعران و هنرمندان بزرگ به شمار می رفته است و ایرانیان همواره به ذوق و استعداد و علم و ادب و هنر معروف بوده اند. در این سرزمین از بیش از دو هزار سال پیش، مدرسه ها و دانشگاه های بسیاری وجود داشته است که در آن ها استادان دانشمند با تدریس و تألیف کتاب های سودمند و تربیت طالبان علم، چراغ علم و فرهنگ را برافروخته و روشن نگاه داشته اند.

پیش از ظهور اسلام، دانشگاه جندی شاپور در خوزستان مرکز علمی بزرگی بود که در آن دانشمندان ایرانی در کنار دانشمندانی از کشورهای دیگر به تدریس علمی مانند پزشکی و ریاضیات و نجوم اشتغال داشتند. با ظهور اسلام و مسلمان شدن مردم ایران، زمینه برای گسترش و رواج دانش و فرهنگ در کشور ما بیش تر فراهم شد؛ زیرا قرآن که معجزه ی پیامبر اسلام بود، خود یک «کتاب» بود و در آن به مسلمانان دستور داده شده بود، در طبیعت و در احوال انسان، تفکر و تحقیق کنند.

اگر به نقشه ی ایران دقت کنیم، در همه جای این سرزمین شهرهایی می بینیم که روزگاری دراز، مرکز درس و بحث و تعلیم و تعلم بوده اند و در هر یک از آن ها صدها فقیه و ادیب و فیلسوف و طبیب و ریاضیدان و منجم در ده ها مدرسه ی کوچک و بزرگ، به تعلیم و تربیت هزاران جوان مشغول بوده اند. در این مدرسه ها بازار مباحثه و مناظره و پرسش و پاسخ میان دانشمندان، گرم بوده است.

در ایران اسلامی، مسجد نه فقط محلی برای عبادت خدا و راز و نیاز و نماز، بلکه محل فراگیری علم و ادب نیز بوده است. در بیمارستان ها نیز علاوه بر آن که بیماران بستری و درمان می شده اند، دانشجویان پزشکی از طبیبان بزرگ درس می آموخته اند. در بسیاری از شهرها کتاب خانه های بزرگی وجود داشته است که اهل علم از آن ها استفاده می کرده اند. در یکی از این کتاب خانه ها که در مراغه و در کنار رصدخانه ی مراغه قرار داشته، چهارصد هزار جلد کتاب نگهداری می شده است. دانشمندی که در شهرهای دور از هم زندگی می کرده اند، با یکدیگر مکاتبه و داد و ستد علمی داشته اند و بسیار اتفاق می افتاده است که دانشمندی برای دست یافتن به یک کتاب و یا استفاده از مجلس درس یک استاد عالی قدر، از شهر خود مسافرت کند و با تحمل رنج و سختی در راه های پر خوف و خطر، خود را به شهری دیگر برساند.

هرگاه وزیرانی لایق و دانش دوست بر سرکار می آمدند و قدرت را به دست می گرفتند، بازار علم و ادب بیش تر رونق می گرفت. خواجه نظام الملک در سراسر عالم اسلام و از جمله در بسیاری از شهرهای ایران مدرسه های بزرگی به نام «نظامیه» ایجاد کرد که بسیاری از دانشمندان در آن ها تدریس یا تحصیل می کردند. سعدی، شاعر بزرگ و مشهور کشور ما، در نظامیه ی بغداد درس خوانده است. بعد از حمله ی مغول که سبب نابودی مدرسه ها و کتاب خانه ها در ایران شد، خواجه نصیرالدین توسی، که خود مردی دانشمند و دانش پرور بود، برای رفع خرابی ها و [?]اجای مراکز علمی کوشش

بسیار کرد. خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی یکی دیگر از وزیران ایرانی است که به مدرسه ها و کتاب خانه ها رونق بسیار بخشید. در دوران نزدیک به ما نیز امیرکبیر که مردی لایق و دلسوز بود، سعی کرد با تأسیس دارالفنون، علم و صنعت را در ایران رواج دهد اما با مخالفت بیگانگان و دشمنان ایران روبه رو شد و ناکام ماند. امروز در سراسر ایران میلیون ها دختر و پسر دانش آموز و صدها هزار جوان دانشجو و طلبه در مدارس و دانشگاه ها و نیز در

حوزه های علمیه ای مانند حوزه ی علمیه ی قم با جدّیت به کسب علم و ادب مشغول اند و امیدوارند که بتوانند، با تلاش و از خودگذشتگی، بار دیگر کشور خود را به مقامی برسانند که مانند گذشته در راه علم

